

«وَالْجِهَادُ مِنْهَا عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَىٰ الْأَمْرِ  
بِالمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصِّدْقِ فِي  
المَوَاطِنِ وَشِدَّةِ الفَاسِقِينَ»

و جهاد (از اصول ایمان) بر چهار پایه استوار  
است، ۱- بر امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳-  
راستی در گفتار (در میدان عمل و قتال) ۴- دشمنی با  
بدکاران و فاسقین

قبل از توضیح مطلب فوق ذکر این نکته  
ضروری است که تمامی اصول فوق را هنگامی  
یک مومن میتواند به کار بندد که در مبارزه بانفس  
اماره سربلند از کار بیرون آمده باشد، والا این  
اصول هیچ پایه و اساس عملی ندارد، چرا که تا  
وقتی، یک «مجاهد» خودمبادی اعتقادی اش را بکار  
نبنده نمی تواند دیگران را به سوی حق دعوت کند.  
امام (ع) در فرازی دیگر این اصول را چنین شرح  
میفرایند:

فَمَنْ أَمَرَ بِالمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ المُؤْمِنِينَ،  
وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوَافَ المُنَافِقِينَ  
وَمَنْ صَدَّقَ فِي مَوَاطِنٍ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ مَنْ  
شَتَّى الفَاسِقِينَ وَغَضِبَ لَهْ غَضَبِ اللهِ وَارْضَاهُ  
يَوْمَ القِيَامَةِ

«پس هر که امر به معروف کند مومنین را  
همراهی کرده و ایشان را توانا گردانیده و هر که نهی از  
منکر نماید بینی منافقین و دوروها را بخاک مالیده،  
و هر که در گفتار راستگو باشد آنچه را بر او بوده

## \* «جهاد» نبردی است آزادی بخش که از سوی پرواپیشگان مستغرق در هدف برای تحقق جهان بینی الهی در زمین صورت می گیرد

رشد یابنده و طولانی مبتنی بر مکتب دانست، چرا که  
حرکت انسان، بسوی بینهایت در «حسیر» و گردش  
است.

آنکس که بتواند در این مسیر، بطور مستمر  
شرکت جسته و عمل کند، به تحقیق دری از درهای  
بهشت را به سوی خود گشوده و در صف خامسان از  
اولیاء خدا قرار گرفته، اینچنین است که انسان  
میراث الهی را که در کتاب و آحادی به بن کرده  
و بحکم الهی بدیده شده که بزرگ و وسیع محکم برای  
خداوند گردیده است. (۱)

مبادی و پایه های «جهاد» فی سبیل الله...

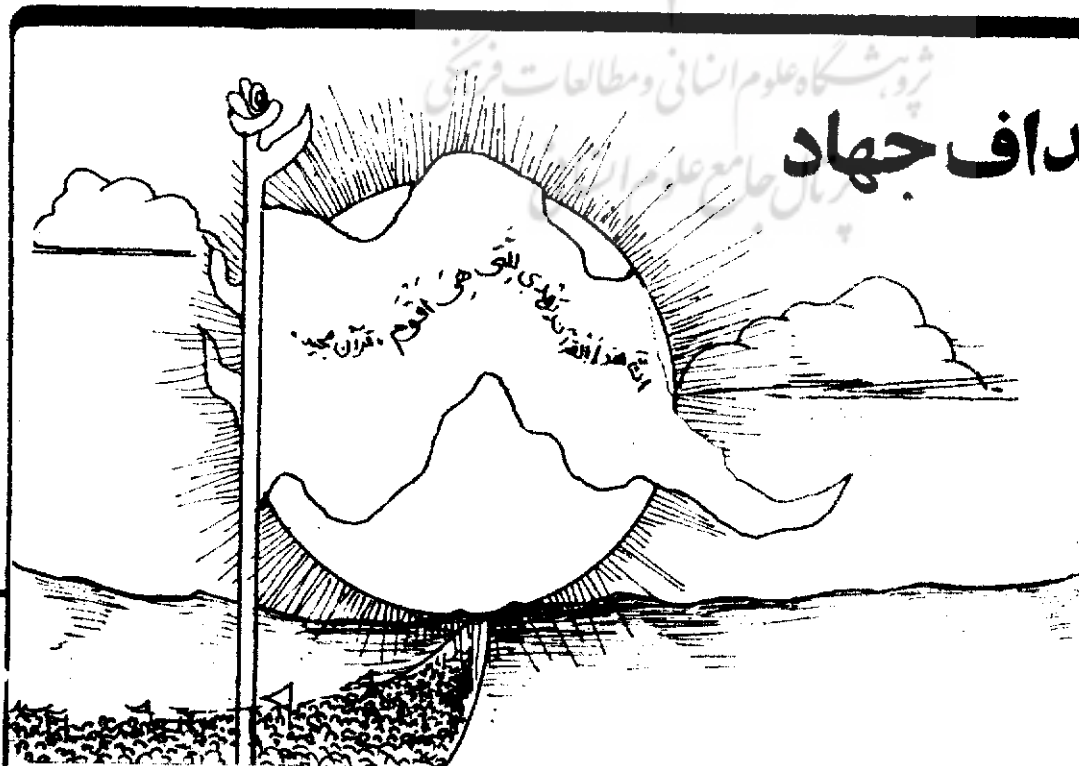
بزرگ مجاهد تاریخ اسلام، واسوه بارز برای  
شناسائی جهت نبردهای رهانی بخش اسلام در نهج  
البلاغه هنگامی که اصول و پایه های اساس ایمان  
را به بحث می کشند، یکی از مهمترین این اصول  
را، امر «جهاد» مینامند و هنگامی که به بررسی مسئله  
جهاد می پردازند، «جهاد» فی سبیل الله را استوار بر  
چهار پایه می دانند.

واژه «جهاد» همواره در فرهنگ قرآن با سیوند  
«فی سبیل الله...» تبیین و تعریف گردیده است، و با این  
اختصاص و تخصیص است، که گسترده گی و شمول  
مطلوب خود را یافته است، و اینچنین است که «جهاد  
فی سبیل الله» به تمامی کوششهایی که یک مسلمان  
مومن، موحد انجام میدهد اطلاق میگردد، از آنکه  
کار فرهنگی میکند تا کسی که برای ارتزاق  
خانواده اش تلاش میکند، و تا آنکه سلاح بدست  
گرفته و برای سرکوبی اهل «بغی» و استکبار تلاش  
میکند و یا آنکسی که در گوشه ای راه زهد  
و ریاضت نفس را در پیش گرفته و نفس عصبان  
خویش را سرکوب می سازد ولی آنچه در میان  
تمامی این معانی به ذهن یک انسان آشنا با فرهنگ  
اسلام تقریب دارد آن معنایی از «جهاد» است که از  
یک تلاش مسلحانه، اعتقادی، برای آزاد سازی  
انسانهای مومن و مستضعف حکایت نماید، بدین معنا  
«جهاد» نبردی است آزادی بخش که در زمین  
پرواپیشگان مستغرق در هدف، برای تحقق جهان  
بینی «الهی» در زمین صورت می گیرد.

این گونه «جهاد» در پیش و می تازد و رشد  
یابنده خود را نیبماید مجاهد را به سرحد کمال  
نخواهد رسانید، حرکت پوینده ای که از اصلاح  
و مجاهد با نفس شروع میشود و به «جهادی» رهانی  
بخش در میدان کارزار ختم میگردد، در این «پوشش»  
یک «مومن»، مجاهد همچنان ساخته میشود که عمل  
کارزار برای او حرکتی کوچک و ناشمردنی است.  
در دیدگاه توحید این «جهاد» وقتی کامل است  
که از «اکبر» شروع گردد و به «اصغر» ختم گردد،  
گرچه نمیتوان «جهاد» اصغر» را انتهای یک حرکت

مقدمه ای بر

# مبانی و اهداف جهاد در اسلام



بجای آورده و هر که با بدکاران دشمنی نمود و برای خدا خصمناک گردید خدا برای او به خشم آید و در روز رستاخیز او را خشنود میگرداند».

چهار اصل فوق ضمن اینکه، بنیاد جامعه را محکم میگرداند، دوام و بقای یک جامعه مبتنی بر توحید را نیز تضمین میکند، چرا که با امر به معروف جامعه همیشه ره هدایت می پیماید، با نهی از منکر، قبل از اینکه منافقین اشتباهی را دستاویز قرار دهند، آن اشتباه اصلاح می شود. با صداقت و راستی در موطن که موضع محاربه با دشمنان خداست، حقانیت مکتب به ثبوت می رسد و با کینه ورزی نسبت به فاسقین، رضایت خداوند و سعادت اخروی تضمین میگردد، و اصل جامعه بر انداز و ضد انسانی «فسق» همواره مورد هجوم قرار می گیرد.

### اهداف کلی جهاد در اسلام

هدفهای کلی و مهم جهاد فی سبیل الله همان هدفهایی است که قرآن کریم کتاب هدایت و توحید برای بعثت انبیاء، مخصوصاً پیامبر اسلام نام می برد. هدف یک مجاهد راه حق همان است که پیامبر بران

است که خداوند به مرکب و قلم سوگند یاد میکند و خواندن را اولین طلیعه تکاملی وحی قرار میدهد. (۲)

### ۲- تکامل بخشیدن دیدن به اندیشیدن

در تمامی ادوار تاریخ نابخردان به «حس» و دیدن بیش از اندیشه ورزیدن ارجح می نهادند و می نهند، خورشید تابناک اسلام چون بدست محمد مصطفی (ص) بر جزیره العرب پرتو افکند، تیره دلان نیز از او معجزه ای چون انبیاء سلف درخواست نمودند، ولی پیامبر (ص) به قرآن که کتاب آگاهی و هدایت و هستی شناسی و جهان داری است بعنوان تنها معجزه اش تکیه ورزید، و از آن زمان بزرگترین پیام را برای رهرواش بجای گذاشت که آن جهادی اصالت دارد که در راه تفسیر و تاویل این کتاب باشد، (۳) و اینچنین است که هر شمشیری که در طول تاریخ اسلام برای خدا فرارفته است و فرود آمده همه در این راه بوده اند.

کتاب «هدایت» موحدین به شدیدترین وجه مورد حمله قرار گرفته و به عنوان جلوه ای از جلوه های کفر از آنها نام برده شده است، (۵) این رسم زشت که نسل «آینده» بدون اندیشه و تامل در میراث گذشتگان، کورکورانه از آن تقلید و پیروی کند علاوه بر اینکه مقلدین بی بصیرت را با خوی محافظه کاری و تمسک بقدم یار می آورد و سبب میشد که به اصول و سنن و عقاید نادرست همراه درستها پایبند بمانند سبب بدتر از آن هم میشد و آن اینکه در برابر هر جنبش اصلاح طلبانه که قصد دنیای کهن را میکرد کمر ستیزه بندند و با این روش ستیزه جویانه، خود را جامد و تکامل حیاتی را عاطل گذرانند، از اینرو قرآن حمله ای سخت بر تمسک تقلید کنندگان برد و تنهاجی مرگبار و کوبنده آورد و راه فرد را بسوی تفکر آزاد و منطقی بگشود.

### ۴- برپایی حکومت جهانی (الله) از طریق امامت و ولایت

شاید بتوان این اصل را بخاطر فرا گیر بودنش بر دیگر اصول، مهترین هدف «جهاد» ذکر کرد دلالت ما بر این اصل آیتی است از کتاب خدا:

«وَمَا لَكُمْ لَأْتِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ظَالِمِ أَهْلِهَا، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»

«پس چرا مبارزه و جهاد نمی کنید در راه خدا و مستضعفین از مردان و زنان و کودکانی که می گویند پروردگارا خارج ساز ما را از این سرزمین که ظالم هستند اهلس و قرار ده برای ما سرپرستی (ولی) و قرار ده برای ما یاری دهنده ای» این آیه ضمن اینکه شمول و جنبه آزادی بخش بودن «جهاد» اسلامی را می رساند جهت آن را نیز برای مومنین تعیین می کند که آن، ولایت و سرپرستی و یاری دادن مردم مستضعف در جهت سیر به طرف (الله) می باشد، ولایتی که در کلیت خود در سلسله مراتب ولایت خداوند را شامل میشود، از طریق ولایت رسول اکرم، امامت و ولایت فقیه.

والسلام

- (۱) اشاره به فراز اول از خطبه ۲۹ نهج البلاغه
- (۲) به کتاب ارزنده انقلاب تکاملی اسلام رجوع کنید.
- (۳) در روایتی آمده که پیامبر به امیرالمومنین فرمودند: «من بر سر تزیل قرآن جنگیدم و تو بر سر تاویلش می جنگی»
- (۴) به حکمت ۳۵ نهج البلاغه رجوع کنید.
- (۵) آیه ۲۳ تا ۲۴ سوره زخرف را نگاه کنید.

## \* امام علی می فرماید: جهاد (از اصول ایمان) بر چهار پایه

استوار است: ۱- بر امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳-

راستی در گفتار ۴- دشمنی با فاسقین

### ۳- مبارزه بر ضد تقلید عقاید و سنن گذشتگان

یکی از بارزترین اهداف «جهاد» اسلامی در همه اشکال تعارضی اش (۴) مبارزه بر ضد تقلید عقاید و سنن گذشتگان است، این رسم زشت در

فرمان داده و همان است که پیامبری برای تحققش قیام نموده و همان است، که پیامبر برای «محوش» شمشیر زده است، بدین ترتیب اهداف جهاد را بدانگونه که جهان بینی توحیدی آموزش داده میتوان در ۴ هدف کلی خلاصه نمود.

۱- اولین هدف «جهاد» مبارزه با جمود فکری و تقلید اعتقادی در راه تامین آزادی تدین و آزاد اندیشی است

\* جهاد فی سبیل الله به  
تمامی کوششهایی که یک  
مومن مورد انجام می دهد  
اخلاق می گردد

از اولین برقی که از چکاوک شمشیر مسلمین بر علیه مشرکین برخاست تا به امروز که نبرد آزادی بخش اسلام در جبهه های غرب و جنوب جریان دارد، همواره یکی از اصولی ترین اهداف اسلام آزاد سازی اندیشه انسانها از جمود و تحجر بوده است، چرا که این مسئله (مبارزه با جمود) از بنیادی ترین طرحهای اندیشه جاویدان وحی برای آزادی کامل «انسان» از خویشتن و طبیعت می باشد، این جنبش